

نشانه‌شناسی عنوان در قصیده «من یومیات سیف بن ذی یزن فی بلاد الروم»

سروده عبدالعزیز مقالح

امیر فرهنگ‌نیا^۱، استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید بهشتی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۸/۰۷

چکیده

یکی از رمزگان‌های مؤثر در متن که مخاطب را در ابتدای امر با علامت‌ها و نمادهای موجود در واژگان و تصاویر آشنا می‌سازد، عنوان است. رمزگانی که انتخاب آن برای قصیده، یکی از مراحل مهم و حساس برای هر شاعر در سرودن شعر و نشان‌دهنده احاطه جامع تجربه او در ارتباط با مخاطب بوده و به مثابه کلید ورود مخاطب به فضای متن، بخشی از مطالعات نشانه‌شناسان را به خود اختصاص داده است. عنوان، خواننده را بر آن می‌دارد تا برای برداشت خود از متن و فهم دقیق آن بیندیشد و فضایی کلی از متن و پیام آنرا برای خود مجسم سازد. در همین راستا عبدالعزیز مقالح شاعر معاصر یمن با انتخاب واژه «یومیات» و یک شخصیت تاریخی برای عنوان قصیده خود که ارائه دهنده مضامین مدنظر خویش می‌باشد، خواننده را در درک بهتر محتوای قصیده کمک می‌کند. جستار حاضر درصدد بررسی نشانه‌شناختی عنوان و ارزیابی کارکردهای آن در مضمون قصیده با رویکرد توصیفی-تحلیلی است. بررسی عنوان این قصیده در سطح واژه‌نامه‌ای، غنای موروث مردمی یمن و ریشه‌دار بودن آنرا نشان می‌دهد و از نگرش عمیق شاعر در بُعد هنری و زیبایی‌شناختی حکایت دارد. در سطح ساختاری به تناسب انسجام میان آواها در عنوان، هارمونی ایجاد و پیوند آوایی در عنوان با تکرار حروف و آخرین حرف هجا اشاره می‌شود و این مضمون را می‌رساند که بسان یک منجی درصدد به خطرانداختن جان خود و رهایی بخشیدن مردم از رنج است. در سطح معنایی، ارتباط عمیق و منسجمی میان عنوان و متن حاکم است. ارتباطی که درصدد آگاهی‌بخشی به مخاطب در اثبات واقعیت متن یعنی سیطره حزن و اندوه، غم غربت و تحمل رنج و محنت در راه آزادی میهن می‌باشد.

کلید واژه‌ها: نشانه‌شناسی عنوان، شعر معاصر یمن، عبدالعزیز مقالح، سیف بن ذی یزن.

مقدمه

عنوان، یکی از مدخل‌های متن یا کلیدهای ورود به دنیای متن بوده و نخستین مرحله از ارتباط با «جهان متن» بوده و «علامتی است که بر متن، دلالت و اشاره دارد و تشخیص متن و کشف زوایای آن در چارچوب اثرگذاری عنوان صورت می‌گیرد؛ چراکه عنوان، کلید ورود به دنیای متن به حساب می‌آید؛ کلیدی که به هنگام ابهام و پیچیدگی در این متن‌ها، مخاطب را قادر می‌سازد تا به دنیای این تصاویر و آواها ورود پیدا کند» (فرج، ۲۰۱۳: ۱۵). همچنین عنوان هویت متن بوده و در فهم متن یا بخشی از آن نقش دارد. نشانه‌شناسی، اهتمام قابل ملاحظه‌ای به عنوان داشته و آنرا حوزه معنایی «دلالی» مستقلی می‌داند که از چگونگی تحقق ارتباط میان ارسال و دریافت «پیام» و زیبایی‌های عناصر هنری پرده برمی‌دارد (زعر، ۲۰۱۸: ۹۲).

عنوان از این جهت محل اهتمام شاعران بوده و توجه آنان را به این موضوع ساختاری معطوف داشته است که از عنوان‌گذاری صرفاً ساده در عرض چند لحظه و بدون اهتمام بسیار توسط هر شاعر فراتر رفته و به فعالیتی نشانه‌شناختی و نمادین مبدل شده که مستلزم آگاهی بسیار و درک عمیق شاعر است. «عنوان باید با ساختار عمومی تشکیل‌دهنده متن هماهنگ باشد و کاملاً متناسب با آن شکل‌گیرد؛ چراکه هرگونه زیادت و نقص در تشکیل فضای عنوان قصیده، لزوماً بازخوردی منفی بر کل متن دارد» (عبید، ۲۰۱۵: ۲۷۴).

ژرار ژنت، چهار کارکرد را برای عنوان ارائه می‌کند: - «تعیینی» که نام کتاب را مشخص و آن را با دقت تمام و کمترین احتمال اشتباه به خوانندگان، معرفی می‌کند. - «وصفی» که عنوان به واسطه آن، اندکی از متن می‌گوید و این همان کارکردی است که مسئول انتقادهایی می‌باشد که متوجه عنوان است. - «الهام‌بخش» که بیشترین ارتباط را با کارکرد وصفی دارد و نویسنده، خواه ناخواه نمی‌تواند آن را نادیده گیرد. این کارکرد مانند هر واژه، روش خاصی را در انتقال یک سبک ویژه خود در هستی دارد. - «تحریک‌کننده»، عنوانی مناسب است که خواننده فرضی را به سمت خود تحریک و

تشویق می‌کند (بلعابد، ۲۰۰۸: ۸۶-۸۸). کارکرد تعیین‌کننده، از آنجایی که عنوان، حامل بار تولیدی متن است، در ابتدای اثر ادبی می‌آید و زمینه را برای تعامل و ارتباط فراهم می‌کند؛ در عین حال، عنوان می‌تواند در توافق کامل با مضمون خود نبوده، بلکه در تعارض با آن قرار گیرد.

مقالح، شاعر، ادیب، ناقد، پژوهشگر و مورخی است که تنها به حوزه شعر اکتفا نکرده و آثار او بهترین دلیل شاهد این ادعاست. وی شاعری چیره‌دست در عرصه‌های ادبی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است (أبو جین، ۲۰۰۴: ۳۲۹). مضمون قصیده «من یومیات سیف بن ذی یزن فی بلاد الروم» پیرامون حوادث تلخی است که در قالب خاطرات روزانه از زبان شخصیت تاریخی و اسطوره‌ای یمن، «سیف بن ذی یزن» مطرح شده است. شرایط نامناسب و نگرانی‌های موجود، شاعر را بر آن می‌دارد تا زبان صریح را کنار گذاشته و از زبان شخص دیگری به بیان شرایط اسفبار جامعه بپردازد. امرؤ-القیس، شاعر مشهور جاهلی در بازپس‌گیری شکوه و عظمت از دست رفته پدر، شخصیت دیگری است که شاعر پشت نقاب او پنهان شده و از اشک‌ها، لبخندها، تجربیات تلخ، رؤیاها، آوارگی، بی‌خانمانی و... سخن می‌راند. با دقت در این قصیده، می‌توان به این موضوع رسید که عنوان کاملاً در خدمت مضمون بوده و تبیین‌کننده اغراض و خواست شاعر در ارسال این مطالب به مخاطبان است. در حد فاصل اهداف شاعر و سابقه معرفتی مخاطب، تفسیر، درک و تعیین حد و مرز عنوان، قرار می‌گیرد. کارکردهای وصفی، شامل اسم مرکب و جمله اسمیه و فعلیه می‌شود و عنوان براساس این کارکردها و با ارجاع به موضوع پیام «متن شعری» به منظور ارتباط فوری با شنونده و خواننده و اختصار آن، مستقیماً به تعیین مرجعیت و غرض متن می‌پردازد. «عنوان، متنی زبانی است که در صدر اثر ادبی قرار گرفته و همچون تاج متن و فراتر از آن، شاخصی است که بر مابعد خود دلالت داشته و با روشن نمودن زوایای متن، و بیان جنبه‌های مبهم آن از تمامی جهات، راه را به سوی متن می‌گشاید» (فرج، ۲۰۱۳: ۱۵). این جستار با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی درصدد تحلیل نشانه‌شناسی عنوان در

قصیده «من یومیات سیف بن ذی یزن فی بلاد الروم»، اثر «عبد العزیز مقالح» و پاسخگویی به پرسش‌های ذیل است:

۱- هدف شاعر از انتخاب چنین عنوانی برای قصیده چیست؟

۲- چه دلالت‌ها و مضامینی در عنوان این قصیده، مد نظر شاعر است؟

پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌های بسیاری در خصوص نشانه‌شناسی و دلالت عنوان صورت گرفته، از جمله:

- در مقاله «شعرية العنونة، عزالدین المناصرة نموذجاً»، اثر حیدر محمد جمال، (مجلة الجامعة الإسلامية للبحوث الإسلامية، العدد ۱۹، ۲۰۱۱م: صص ۱۲۰۷-۱۲۳۶) نویسنده، عنوان را از نظر دلالت به صریح «مکان‌های فلسطینی، عربی، خارجی و غیره» و هنجارگریز «مواردی که خواننده را به دلالت‌های متضادی ارجاع می‌دهد» تقسیم می‌کند.

- مقاله «سیمیائیة العنوان فی قصیة شب‌گیر لأحمد شاملو ولیل یفیض من الجسد لمحمود درویش، دراسة مقارنة» اثر فاطمه بخیت، سعید بزرگ بیگدلی، ناصر نیکوبخت، کبری روشنفکر، (مجلة العلوم الإنسانية الدولية، العدد ۲۰، ۲۰۱۳م: صص ۱۹-۳۷). پژوهشگران در این مقاله، با بیان مفاهیم نشانه‌شناسی و ارتباط آن با عنوان، به مطالعه نشانه‌شناختی عنوان دو قصیده مذکور در سطح واژه‌نامه‌ای، دستوری و دلالتی پرداخته‌اند.

- مقاله «سیمیاء العنوان فی شعر هدی میقاتی» اثر عامر رضا، (مجلة الواحات للبحوث والدراسات، العدد ۲، ۲۰۱۴م: صص ۵۷۷-۵۹۳). پژوهشگر در این مقاله به اهمیت رویکرد نشانه‌شناسی در خوانش متن، اهمیت عناوین، شکل‌گیری و پیشرفت آن در متن و بررسی نشانه‌شناختی عناوین شاعر پرداخته است.

- مقاله «نشانه‌شناسی عنوان قصیده «حفر علی یاقوت العرش» سروده «محمدعلی شمس الدین» اثر محمدعلی آذرشب، محمدحسن امین مقدسی، شهریار نیازی و موسی بیات، (مجلة زبان و ادبیات عربی، شماره ۱۶، بهار و تابستان ۱۳۹۶: صص ۱-۲۶). در این

پژوهش، قصیده «حفر علی یاقوت العرش» با تکیه بر کارکرد بینامتنی مورد ارزیابی قرار گرفته و در آن ارتباط عنوان با متن اصلی و سازوکارهای تولید معانی واکاوی شده است.

- مقاله «دراسة سیمیائیة فی قصیده من یومیات سیف بن ذی یزن فی بلاد الفرس لعبدالعزیز المقالح» اثر امیر فرهنگ‌نیا (مجله بحوث فی اللغة العربیة، شماره ۲۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۸: صص ۱۵-۳۶) که نویسنده در آن به بررسی نشانه‌شناختی قصیده در سطح موسیقایی و زبانی پرداخته است.

از جمله مطالعات صورت گرفته در خصوص شعر مقالح:

- در مقاله «وقفه مع الأديب الیمنی عبدالعزیز المقالح وتحلیل شعره» اثر مهدی ممتحن و سیدجواد حسینی، (مجله دراسات الأدب المعاصر، العدد ۱۱، ۱۳۹۰ش: صص ۹۷-۱۱۲)، نویسندگان، به بررسی نمادهای تاریخی در شعر مقالح پرداخته‌اند.

- مقاله «التکرار وأنماطه فی شعر عبدالعزیز المقالح» اثر صلاح مهدی الزبیدی ونصرالله عباس حمید، (مجله دیالی، العدد ۶۷، ۲۰۱۵م: صص ۲۶۴-۲۸۱)، که پژوهشگران در آن به بررسی تکرار و انواع آن در قصیده‌های سنتی و نو مقالح پرداخته‌اند.

جستار حاضر، عنوان قصیده را در سه سطح واژه‌نامه‌ای، ساختاری و معنایی بررسی نموده و به تبیین بکارگیری عنوان در خدمت مضمون و بیان مضامین موجود در لایه‌های متن پرداخته است. از جمله برجسته‌ترین این مضامین پایداری و بیان غم غربت است.

نشانه‌شناسی عنوان قصیده من یومیات سیف بن ذی یزن

عنوان این قصیده، متنی را توصیف می‌کند که تمامی شخصیت‌های آن، آماده رقم‌زدن خاطرات «سیف» هستند. از جمله: امرؤ القیس (ضلیل)، نسل‌ها، دوستان، خانم رومی، زنان، بچه‌ها، قیصر روم، همسایه، مردان مقاومت، شخصیت‌های اسطوره‌ای همچون عاقصه، عیروط، همگی در سرنوشت او دخیل هستند. پرسش پایانی قصیده، مؤید این مطلب است: «وَأینَ یا مدینتی أواجهُ المصیر؟^۱» (المقالح، ۲۰۰۴/۳: ۱۱۸) کارکرد تحریک

کننده، تا زمانی مناسب و موفق است که خواننده احتمالی را به خود جذب کند و مناسب متن باشد.

وجود نام «سیف» و سرزمین روم و حرف جرّ «من» که بر بخشی از خاطرات روزانه دلالت دارد، همگی به نوعی در پیچیدگی عنوان و نیاز به تفسیر و اندیشه، به منظور درک بهتر نقش دارد. کارکرد تشویق و تحریک خواننده، به نحوی است که گویا عنوان از متن جدا شده تا در صدر آن قرار گیرد. با نظامی نشانه‌ای، افق وسیعی از متن را در برابر خواننده ترسیم می‌کند که توانایی صعود به فضای آنرا ندارد؛ چراکه گستره عنوان فراتر از آن است که خواننده بتواند به گُنه آن دست یابد. شاعر، این قصیده را در سال ۱۹۵۷م سروده و عنوان آن، سرشار از رنج، غربت و اشتیاق به میهن بوده و بیشتر واژگان موجود در قصیده، بر غم غربت دلالت دارند. به منظور تحلیل نشانه‌شناختی عنوان و ورود به دنیای متن، می‌توان آنرا در سه سطح واژه‌نامه‌ای و تاریخی، ساختاری (دستوری/ترکیبی) و دلالتی (معنایی) بررسی کرد:

واژه‌نامه‌ای و تاریخی

واژگان به عنوان عناصر اصلی متن در کنار سطح‌های معنایی و زیبایی‌شناختی از اهمیت بسزایی برخوردارند. نشانه‌هایی که بررسی آنها با داشتن دلالت‌هایی مشخص، به منزله مطالعه ساختار عمیق متن است. خواننده از این طریق «می‌تواند با معنای اصلی واژه‌های عنوان در فرهنگ لغت آشنا شود و رابطه آن با متن مشخص می‌کند که گاهی متن، دلالت آن معانی را تأیید یا رد می‌کند؛ مخصوصاً وقتی که عنوان، نمادین و به صورت غیر مستقیم با متن رابطه داشته باشد» (بخیت، ۱۳۹۲: ۱۳۲).

عنوان این قصیده از سه کلمه تشکیل شده است: اسم، حرف جر و اسم مرکب. سیطره واژه‌های اسمی در عنوان و عدم وجود فعل در آن، نشان می‌دهد حرکت در مضمون عنوان یا متن وجود ندارد. سطح واژگانی این قصیده از مجموعه‌ای کلمات و ساختارهای زبانی تشکیل شده که از لحاظ لفظ و معنی با فضای عنوان در ارتباط است. پیوند زمان و مکان و بهره‌گیری از کارکردهای تاریخی، دینی و اسطوره‌ای، به مرجعیت

عنوان، وابسته و بافت زمان در واژه «یومیات» و پیوند آن با مکان وقوع حوادث، (سرزمین روم) و حلقه واسطه میان این دو، شخصیت تاریخی «سیف بن ذی یزن» است. آنچه در جای جای این قصیده، در قالب دو عنصر زمان و مکان رخ می‌دهد، بخشی از یادداشت‌های روزانه این شخصیت تاریخی و سرنوشت مآرب و صنعا می‌باشد که همگی در گرو اتفاقات روم است «معابدُ القمر/فی (مأرب) الحزین/حملتها معی تحتَ الجفون»^۲ (المقالم، ۳/۲۰۰۴: ۱۱۰). «أریدُ ثورةً نغسلُ عن حیبتی (صنعا) مهانة العیب»^۳ (همان: ۱۱۲). غربت و دوری از وطن، شاخصه ویژه‌ای است که این شخصیت تاریخی برای تحقق هدف ارزشمند خود یعنی آزادسازی میهن و زادگاه شاعر از چنگال اشغالگران، باید رنج آنرا بپذیرد. مشکلاتی که این شخصیت در مسیر خود تحمل می‌کند، به واسطه تکنیک نقاب، مجسم و بدین ترتیب ذهن خواننده را به عمق فاجعه نزدیک می‌سازد. «ابزاری هنری که شاعر به واسطه آن درصدد نشستن در کالبد شخصیت دیگری است که حجم اندکی از حافظه تاریخی خالق اثر و مخاطب را در اختیار دارد و شاعر، صدای مستقیم خود را پنهان می‌سازد؛ بطوریکه دو تجربه مرتبط با شخصیت فراخوانده شده و تجربه اختصاصی شاعر با یکدیگر پیوند یافته و ضمیر متکلمی بر متن، سیطره می‌یابد که مرجع آن نخستین شخصیت است و اثربخشی دو طرف نقاب، انسجام می‌یابد» (الرواشدة، ۱۹۹۵: ۲۱). «بکی رفیق رحلتی/حتی ارمتم علی العیون (أنقرة)»^۴ (المقالم، ۳/۲۰۰۴: ۱۱۰). «قرأتُ فی سجونہ/ما حفرتُ دموعُ النازح (الصَّلیل)/من أشعار/بکیتُ للصحراء/للخیام»^۵ (همان: ۱۱۴). (أنقرة). به سفر شاعر جاهلی، امرؤالقیس اشاره دارد. در قسمت دوم نیز شاعر در زندان‌های قیصر روم، شاهد اشعار این شاعر جاهلی است و او را نمادی مناسب می‌داند که می‌تواند از طریق او سخن بگوید و احساسات خود را بیان کند. از جمله ویژگی‌های چنین شخصیتی، اینکه «حضور تاریخی، ادبی، دینی یا اسطوره‌ای متمایز و دستاوردهای بسیاری داشته و در زندگی او، نقاط عطف زیادی است و به منظور بازسازی تجربه او، باید حجم وسیعی از سخن شاعر به وی اختصاص یابد. در غیر این صورت، آن شخصیت از نقاب به یک اشاره نمادین تبدیل می‌شود» (رحالہ، ۲۰۱۲: ۱۴۵)؛ شاعر، به واسطه نقاب، در صدد کشف وجود خلاق و مبتکر

خود بوده تا تأثیر بسیاری بر مخاطب بگذارد. واژگان «الجزین: اندوهگین، السفر: سفر، رحلة: کوچ، أنکر: نادیده انگاشت، الضَّلِيل: بسیار گمراه (لقب «امرؤالقیس»)، رفیق درب الطویل: همسفر مسیری طولانی، مبعداً: دور، صراخی المکتوم: فریاد پنهان من، وحدتی: تنهایی من، ریه الدیار: شک و شبهه منازل، الأسر: اسارت، ضِعْتُ: گم شدم، شرید: آواره، بعیده: دور» مجموعه‌ای از دلالت‌های پیوسته و عمیقی هستند که بر غربت دلالت داشته و تجربه شاعر را در حرکت دال‌های قصیده به تصویر می‌کشد.

نام سیف در عنوان، حضور مردمی، تاریخی و قومی وسیعی را در خود دارد و شاعر، او را با تصویری مبارزاتی و روحیه‌ای مقاوم و تأمل برانگیز ترسیم می‌کند. تصویر رزمنده‌ای که با مضامینی زیبا، از هموطنان خود دفاع می‌کند. «أکره أن أموت مبعداً/أکره أن أرى البلاد/الأرض والنساء والأولاد/یستمحون رحمة الجلال/أکره أن أرى جنود (أبرهة)/تسیر فی (غمدان)»^۶ (المقالم، ۲۰۰۴، مج ۳: ۱۱۳). بهره‌گیری شاعر از تکنیک نقاب در شخصیت امرؤالقیس، به خوبی صورت گرفته است؛ چراکه میان سرنوشت این شاعر جاهلی و شخصیت محوری قصیده یعنی سیف، تفاوتی وجود ندارد و هر دو در دادخواهی از قیصر روم ناکام مانده‌اند. «بکت رفیقتی/لکن صاحب الجلالة السلطان/قیصر أرض الروم/لا یستطیب دمعها/ولا یری صراخی المکتوم/یمسکنی عن التخلیق/یسد من أمامی الطريق/یطلق حول سحنی الذئاب/ویوید الأبواب»^۷ (همان: ۱۱۳). امرؤالقیس در قصر قیصر روم مورد خیانت قرار گرفت و در راه بازگشت، جان باخت. به همین ترتیب، اشک‌ها و فریادهای سیف نیز مورد توجه قیصر قرار نگرفته و با ممانعت از حرکت و به زندان افکندن او، گرگ‌ها را به جانش می‌اندازد و درها را به رویش می‌بندد. وجه مشترک این دو شخصیت، تلاش برای گشودن دست یاری به سوی قیصر روم بوده و البته خیانت، سرنوشت مشترک ایشان است. یکی با سم جفا از پا درآمد و دیگری به زندان افتاد. کتاب‌های تاریخ، زادروز یا زمان مرگ سیف را ذکر نکرده‌اند، اما حوالی قرن ششم میلادی بوده است؛ چراکه پس از آنکه توانست حبشی‌ها را از یمن بیرون کند، قهرمان تاریخ شناخته شد. «ارائه تصویر شخصیت، به منزله گواه و شاهدهی داستانی است؛ یعنی به بخش مشخصی اشاره دارد که نویسنده، آنرا بزرگ‌نمایی می‌کند، یا ایده مشخصی که

آن را بنیان می‌نهد و مقصود او، آن است که به منزلهٔ دلیل یا تجربه‌ای واقعی باشد که شاهد صدق تصور و سلامت اندیشه است» (آل مربع، ۲۰۱۳: ۱۶۲). از دالّ «یومیات: خاطرات روزانه»، مدلول‌های معنایی متعددی شکل می‌گیرد: وجود واژهٔ جمع، بر کثرت و تنوع این خاطرات و حضور متراکم زمان دلالت دارد که حوادث را با سرعت اندک و تغییر دائم ترسیم می‌کند. این واژه، مبنای ساختار ایدئولوژیک قصیده و بیانگر مرحله‌ای است که سیف برای استمداد طلبیدن از قیصر روم و دفع شرّ حبشی‌ها، رهسپار این منطقه و متحمل رنج‌های بسیار شده و سرشار از عبرت و اندرز است و مقالح درصدد استخراج بهترین درس‌ها از آن می‌باشد. تحلیل چنین خاطرات روزانه‌ای پس از مدت‌ها، غنای موروث مردمی یمن و ریشه‌دار بودن آن‌را نشان می‌دهد. می‌توان این عنوان را حلقهٔ وصل دنیای خارج و داخل متن و پیامی دانست که فرستنده و گیرنده، رد و بدل می‌کنند؛ بنابراین آنان دو قطب عملیات دریافت هستند و در واقع کارکرد تشویق یا تحریک، نسبت به متن، میان آنان رقم می‌خورد. فرستنده: مقالح، پیام: خاطرات سیف، گیرنده: خواننده و مخاطب. عنوان این قصیده، از نگرش عمیق شاعر در بعد هنری و زیبایی‌شناختی حکایت دارد و در عین حال نشان از فرهنگ شاعر بوده و نقش موروث عربی را در آن نشان می‌دهد.

ساختاری (دستوری)

از لحاظ ساختاری (ترکیبی)، وضع عنوان نزد مؤلفان، میان یک جمله، جمله‌های اسمیه یا فعلیه و ترکیب جزئی و اسم، خواه علم یا شیء، ظرف مکان یا زمان، صفت و حرف در نوسان است (مطوی، ۱۹۹۹: ۴۵۸). عنوان این قصیده از سه واژه تشکیل شده و روی هم‌رفته، خبر برای مبتدای محذوف (هنا: این) می‌باشد. جملهٔ اسمیه، دلالت ثبوت را می‌رساند؛ بنابراین عنوان در اصل، چنین است: «هَذَا قَسْمٌ»: این «یومیات» بخشی از خاطرات روزانهٔ سیف در سرزمین روم است و اشارهٔ مستقیمی به مضمون دارد. عنوان فاقد فعل است تا به زمان خاصی مرتبط نشود؛ کما اینکه اسم بر ثبوت، استقرار و مطلق، دلالت دارد. این موضوع، ساختار بیان «لفظ» را تقویت می‌کند تا تفسیری

متناسب با سطح مخاطب ارائه کند. پیوند "سیف" و "بلاد الروم"، نوعی ارتباط و الهام معنایی برای این جمله اسمیه ایجاد کرده است.

عنوان قصیده، از جمله‌ای کوتاه و ترکیب متراکمی از جمله، دو حرف جر و چند اسم تشکیل شده، اما مبنای آن، عنوان اضافی است؛ بطوریکه فضای عنوان از مضاف و مضاف‌الیه شکل گرفته و مبتدا و خبر جمله اسمیه نیز حذف شده و تقدیر آن، «هذا قسم: این بخشی از»، و سیف مضاف‌الیه یومیات و الروم، مضاف‌الیه بلاد است. ترکیب‌های اضافی ساده به تلاش بسیار برای فهم آن، نیاز ندارد و نویسنده را در بهره‌مندی از بلاغت لفظ، قالب و تصویر در تابلوی عنوان، یاری کرده است.

ترکیب اضافی به دو قاعده زایایی و گشتاری اشاره دارد. قاعده زایایی، همان ساختار عمیقی است که تمامی عناصر پنهان در قاعده اضافه را در بر می‌گیرد. رابطه اضافه بطور کلی، رابطه میان دو اسم است که اولی، نکره و دومی، نکره یا معرفه است. خواه این معرفه، ضمیر یا اسم معرفه با «ال» تعریف باشد و میان دو اسم، یکی از حروف جر مقدر «ل: برای»، «من: از» «فی: در»، «ک: مثل». این حروف، به اضافه‌های چهارگانه لامی، بیانی، ظرفی و تشبیهی اشاره دارد؛ اما قاعده گشتاری به معنی دگردیسی از چارچوب قدرت پنهان به چارچوب قدرت بکار گرفته شده است. به این ترتیب که انتقال قاعده اضافه به میدان تحقق واقعی زبان، حرف جر میان دو طرف را ساقط ساخته و دو احتمال را در پی دارد: یا طرف اول، اضافه اسم نکره است که با اضافه شدن به یک اسم معرفه، اکنون معرفه شده یا اینکه یک اسم نکره، با افزوده شدن به یک اسم نکره، به نکره مخصّصه تبدیل شده است (حسن، ۱۹۸۹: ۱۷).

ترکیب اضافی در عنوان این قصیده، مفهوم تخصیص را می‌رساند؛ یعنی برای تشخیص مفهوم معرفه از نکره و تعیین مدلول مضاف (خاطرات) و زدودن هرگونه ابهام و پراکندگی از آن، به واسطه اضافه به مضاف‌الیه (سیف بن ذی یزن) است.

«یومیات» از واژه «یوم»، یعنی «فاصله زمانی طلوع خورشید تا غروب» (ابن منظور، ۱۹۸۸، ج ۱۵: ۴۶۶) گرفته شده است. وجود واژه «یومیات» در عنوان، حاکی از دلالت جمع است. گویا شاعر می‌خواهد اعلام کند: "سیف" مجموعه‌ای از یادداشت‌های متعدد

در روم دارد. چنین مکانی «در گفتمان ادبی، مرزهای اصطلاحی مشخص را در کنار چارچوبی مادی گذاشته و به سمت ابعاد داخلی با ویژگی‌های درونی مرتبط با احساسات دوستی، الفت، وحشت، غربت و تناقض در حرکت است؛ چراکه مکان با دلالت‌های نمادین بسیار، از حالت‌های درونی حکایت دارد» (درمش، ۲۰۰۷: ۶۴). تصویر یادداشت‌های روزانه سیف در سرزمین روم به مثابه کلی است که بطور مستقیم یا نمادین در متن به عنوان ارجاع می‌آید. چنین متنی، مجموعه‌ای از علامت‌ها و دلالت‌هاست که ارتباط تنگاتنگی با دنیای پیرامون خود دارد. فراخوانی شخصیت تاریخی "سیف" در عنوان، نشان از ارتباط شاعر با موروث داشته و اینکه وی توانسته بخشی از تجربه خود را به آن بیفزاید، باعث خلق ابعاد و زوایای تازه‌ای شده و تداوم کارایی این موروث را نشان می‌دهد. از سوی دیگر فقدان عنصر زمان در جمله اسمیه بر ثبوت دلالت دارد. این عنوان فاقد دو دال عمیق می‌باشد که مستلزم تلاش خواننده در عملیات دریافت متن و تفسیر موارد محذوف است.

عنوان از ساختار داستانی کاملی تشکیل شده است که اعم از حضور دال «یومیات»: حوادث روزانه»، دال قهرمان "سیف بن ذی یزن"، رخدادهایی در واژه «یومیات» و فضای روایی تجلی‌یافته که در مکان «سرزمین روم» رخ می‌دهد. گویا متن قصیده، نمود توسعه و عمق‌بخشی به آستانه عنوان است. دال «یومیات» در صورت اضافه شدن به نام سیف، شخصیت اصلی قصیده و در کنار آن، دیار غربت، یعنی روم، به عنوان محرکی است که خواننده را بر آن می‌دارد تا برای کشف حجم این حوادث، به خوانش متن بپردازد. این عنوان از لحاظ نحوی، ناقص است؛ چرا که با حرف جرّ «من: از» شروع شده و پس از آن، اسم مجرور «یومیات» و چهار مضاف‌الیه و سپس حرف جرّ «فی» و دو مضاف‌الیه «أرض» و «الروم» قرار دارد. در سطح نشانه‌شناختی، ساختار ناقصی، مرتبط با تقدیر ما قبل و مرتبط با محذوف یعنی مبتدا شکل گرفته، اما بار معنایی را در خود جای داده که رؤیای شخصیت اصلی، سیف را منعکس می‌سازد. عنوان «من یومیات سیف» ترکیبی اضافی است که از دو عنصر اساسی شکل می‌گیرد: مضاف «یومیات» و مضاف‌الیه «سیف» که اضافه محض یا معنوی نام دارد.

در انتخاب چنین ترکیب اضافی، دو قاعدهٔ زایایی و تفسیری مطرح است: (أ) زایایی: رابطهٔ اضافی میان دو اسمی است که اولی، نکره و دومی معرفه است و میان این دو، حرف جرّ «لـ» در تقدیر است؛ چراکه مضاف‌الیه، مالک مضاف است. (ب) تفسیری: بر اساس این قاعده، می‌توان این عنوان را از چند لحاظ ارزیابی کرد: نخست: مبتدا و خبر محذوف و تقدیر آن: «هذا قسم» این بخشی از یادداشت‌های روزانه سیف است. دوم: عبارت عنوان را می‌توان مفعول برای فعل و فاعل محذوف دانست: «نقدّم من یومیات: بخشی از خاطرات روزانه را ارائه می‌کنیم»؛ بنابراین، فعل و فاعل حذف شده و در تقدیر قرار گرفته‌اند. پس می‌توان گفت: داستان سیف بن ذی یزن در کشورهای عربی در حال تکرار بوده و همچنان یک منجی درصدد به خطرانداختن جان خود و رهایی‌بخشیدن مردم از رنج است. به تناسب انسجام میان آواها در عنوان، هارمونی ایجاد و پیوند آوایی در عنوان با تکرار دو حرف «م» یعنی ساده‌ترین اصوات در تلفظ و «ی»، آخرین حرف هجا مشخص می‌شود؛ بنابراین «پیوند میان واژگان، گامی اساسی در عنوان و مهم در ساختار کلّ متن است و عدم وجود هماهنگی و انسجام میان واژگان، فهم عنوان را مختل می‌سازد» (الجمیلی، ۲۰۱۶: ۴۰).

دلالتی (معنایی)

عنوان، به منزلهٔ هویت قصیده است و یکی از تصاویر تفسیر شاعر از قصیدهٔ خود را دربردارد. هنگامی که آخرین مطلب از متن شعر نوشته می‌شود و شاعر از نوشتن قصیده‌اش رهایی می‌یابد، در جستجوی عنوانی برای آن برمی‌آید. این عنوان، خلاصه‌ای معنایی از آن چیزی است که به زعم شاعر، مضمون قصیدهٔ او بوده یا دغدغه‌ای است که وی را احاطه کرده؛ بنابراین از یک سو، نمود تفسیر شاعر از متن و توضیح آن و از سوی دیگر تشویق و تحریک خواننده برای استقبال از متن و ورود به آن است» (الغزالی، ۱۹۹۳: ۴۷-۴۸). دلالت عنوان، به یکی از شخصیت‌های متن اشاره دارد که معمولاً یک قهرمان است، یا به مکان، زمان، حوادث، رویکردهای فکری، سیاسی، اجتماعی و غیره یا اسطوره‌هایی اشاره دارد که در متن فراخوانده یا به آنها ارجاع داده شده است و یا

این دلالت، غیر مستقیم می‌باشد و خواننده را به تفسیر وامی‌دارد (فضل، ۱۹۹۲: ۳۳۶). عنوان این قصیده، دلالت‌های متعددی را به ذهن خواننده القا می‌کند که در سطح کامل عنوان «رسالة إلى سیف» و در سطح جزئی «رسالة» یا «سیف» است. به نظر می‌رسد حضور این شخصیت بزرگ تاریخی در عنوان، ابعاد دلالتی دارد؛ چراکه در افق تاریخی یمن، این شخصیت از ترکیبی واژگانی و معنادار برخوردار است که تنها ارجاع تاریخی به آن، جدای از جنبه ادبی، کافی نیست. بینامتنیت تاریخی و ادبی (اسطوره‌ای) در خلال اشاره به اسامی اسطوره‌ای دارای جنبه تاریخی، در متن قصیده در هم تنیده‌اند. شخصیت‌هایی همچون «عاقص»، خواهر سیف و «عیروط»، خدمتکار سیف، از جنس جن، گواهی بر این مدعا هستند. بینامتنیت عنوان با رمز تاریخی «سیف» در راستای تولید دلالت تازه‌ای است که با شخصیت یمنی «شاعر و جامعه او» هماهنگ و منسجم شود؛ بنابراین حضور این شخصیت در عنوان، نقابی برای اظهار حالت یا واقعه‌ای خاص است. در صورت ورود به این قصیده برای کشف استراتژی متن، مشاهده می‌شود که پایداری، یکی از ستون‌های تشکیل‌دهنده مضمون شعری است: «وکلّ لیلۃ علی سماء أرض الروم/أقرأ حینَ ترحلُ العُیوم/حکایة الرجال/والمقاومة/حکایة الذین یجدلون من دماهم/جبال الموت للأعداء/حکایة الذین یرفضون العار/ولا یطیقون الرضوخ/والمساومة/من الجماحم النبيلة السمراء»^۸ (المقالح، ۲۰۰۴: ۳/۱۱۵-۱۱۶). واژه روم، همانند عنوان، در اینجا نیز تکرار شده است و بر همین اساس می‌توان این عنوان را مکانی دانست. از سوی دیگر، مقاومت مدنظر شاعر در خارج از مرزهای میهن، یعنی روم صورت می‌گیرد؛ آنجا که پس از زدوده‌شدن غبار ابرها و هویداگشتن آبی آسمان، شاعر به مشاهده داستان مقاومت مردان مبارز در آسمان می‌پردازد. آنان که با خون خود، ریسمان مرگ را برای دشمنان محکم می‌بندند.

عبارت «من یومیات سیف»، به عنوان دیباچه متن و محل ورود خواننده به قصیده، خواننده را بر آن می‌دارد تا به تأمل و درنگ در آن بپردازد. چه بسا شاعر قصد دارد بگوید آنچه امروز اتفاق افتاده، فقط جزئی از مصیبت‌هایی است که انسان آن روزگاران بدان گرفتار بوده و بدین صورت نقطه امیدی در دل آنان روشن نماید. از طرف دیگر

"سیف بن ذی یزن"، خاطرات روزانه‌ای نداشته و نویسنده این نام را برای سرگذشت او تعریف کرده است. عنوان از سطر نخست، با بار معنایی متراکم بر متن سایه می‌افکند و با دلالت رنج و اندوه، درصدد پیوند میان ذهن مخاطب با شخصیت تاریخی سیف است. «معابدُ القمر/ فی (مأرب) الحزین/ حملتها معی تحتَ الجفون/ فی السفر/ نقشتُ رسمها علی الجبین/ و فی البصر/ بکی رفیقُ رحلتی/ أنکرَ وجهینا الطریقُ/ و الرفیقُ أنکره/ ذکرْتُ ثورةَ الضلیل/ حتّی بکی الدلیل/ قلتُ له: لا تنکِ یا رفیقَ دربی الطویل/ لا تنکِ إننا نحاولُ التحریر/ لا نبغی مُلکاً ولا سریراً^۹ (الثلاثاء ۹ نوفمبر ۱۹۵۷)» (المقالم، ۲۰۰۴/۳: ۱۱۱).

نشانه‌ها علاوه بر بار معنایی خود، باری سنگین از باورها، اندیشه‌ها، اسطوره‌ها و به مفهومی کلی، فرهنگ را به دوش می‌کشند و نشان دهنده پیشینه تاریخی کهن هستند. اینگونه از نشانه‌ها از طریق رمزگان‌های فرهنگی ارزش می‌یابند و خوانندگان را به متن تاریخ و فرهنگ هر جامعه‌ای می‌برند (سجودی و کاکه‌خانی، ۱۳۹۰: ۱۳۸). وجود واژگانی همچون «الحزین، رحلتی، الطریق، ثورة، بکی، الدلیل» در چارچوب حوزه نشانه‌شناختی، به خوبی، کارکرد اندوه را ترسیم کرده و حضور واژه ضلیل «امرؤ القیس» بینامتنیت ادبی را پدید می‌آورد و ذهن خواننده را به سرعت به سمت مقصود شاعر رهنمون می‌سازد. استفاده از تکنیک نقاب، این ذهنیت را برای مخاطب ایجاد می‌کند که جامعه، وی را گمراه می‌داند و شاعر، تأکید دارد که به دنبال تاج و تخت نیست. وی توانسته با حجم اندکی از واژگان و سه بار تکرار واژه «رفیق»، فضای وسیعی از مضمون را برای مخاطب خود ترسیم کند. واژه «تحریر: آزادی‌بخشی»، از تشابه تجربه متن ادبی «ضلیل» و متن فعلی «سیف» حکایت دارد.

در قسمت دوم آمده است: «فی هذه المدينة/ أنا حزین/ ألا تحسُ قریتی بألما معی حزینة؟/ تقول لی رفیقتی رومیة العینین: /- ما الذی ترید؟- أریدُ أن یکون لی قبرٌ هناک/ عند نخلة یظللها الجرید/ أریدُ ثورةً تعسلُ عن حبیبتی (صنعا) مهانة العبید/ أکره أن أموتَ مبعداً/ أکره أن أرى البلادَ/ الأرضَ والنساءَ والأولاد/ یستمحون رحمةَ الجلاذ» (المقالم، ۲۰۰۴/۳: ۱۱۲-۱۱۳). نخل را می‌توان نماد میهن دانست که با واژه «بلاد» در عنوان مرتبط است. درختی با ریشه‌های محکم در زمین که شاعر به واسطه آن در صدد اثبات هویت و

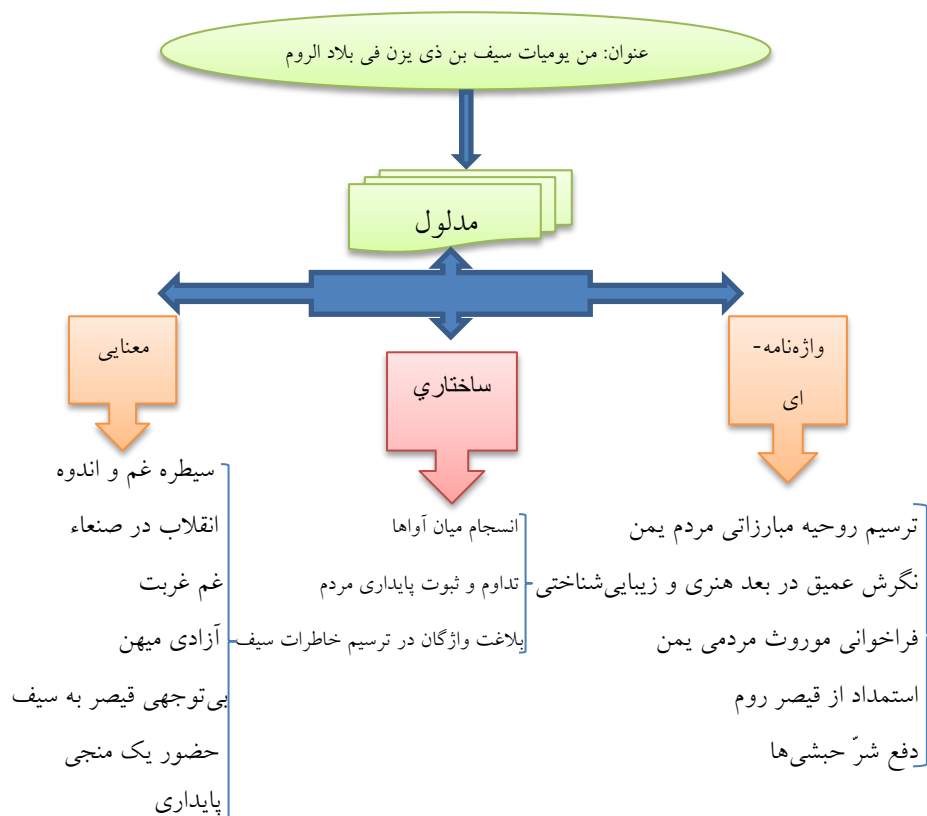
تعلق خاطر به میهن است. با نگاهی به مضمون سطرهای بعد «أکره أن أری البلاد/الأرض والنساء والأولاد/یستمنون رحمۃ الجلاذ»^{۱۱}، قرار گرفتن واژه نخل در کنار چنین مضامینی، بر بار معنایی نخل افزوده و آن را به نماد پایداری مبدل می‌سازد. از سوی دیگر واژه انقلاب در کنار معشوقه شاعر، «صنعاء»، نخل را نماد اصالت و ریشه‌داری عنوان می‌کند. در قسمت بعد شاعر می‌گوید: «سئمت وحدثی/قرأت فی سجونہ/ما حفرت دموع التارح(الضلیل)/من أشعار/بکیت للصحراء/للخيام/ولم أزل فی الأسر/لا وجهی ملکئہ/ولا الکلام/غرقت.. ضیعت فی الزحام»^{۱۲} (همان: ۱۱۴). شاعر در اینجا با بهره‌گیری از نقاب امرؤالقیس، از تنهایی خود گلایه می‌کند و به بازخوانی اشک‌ها و اشعار شاعر جاهلی در قصر قیصر روم می‌پردازد. با نگاهی به متن و عنوان آن، می‌توان مجموعه‌ای از واژگان و عبارات‌های متراکم را مشاهده کرد که ریشه در یک حوزه مشخص دارند و همگی به دلالتی معین می‌انجامند. واژگان پیام عنوان برای ابراز دل-هایی گرد هم آمده‌اند که خاطرات را به شخصیت «سیف» پیوند می‌دهند و گویای حجم غربت او می‌باشند و در سه حوزه ذیل خلاصه شده‌اند:

زمان	شخصیت	غربت
یومیات: خاطرات	سیف	سرزمین روم

این سه حوزه، نشان‌گر روابطی است که میان تک‌تک اجزای عنوان ارتباط ایجاد می‌کند. خاطراتی که خارج از چارچوب سرزمین مادری این شخصیت تاریخی رقم می‌خورد. این متن از سه مقطع تشکیل شده که در بلندی و کوتاهی متفاوتند. دلالت عمیق واژگان عنوان در متن قصیده نمود پیدا می‌کند که می‌توان در سه نمودار ذیل ملاحظه کرد:

خاطرات									
السفر:	مهانة:	الصمت:	العذاب:	مبعد:	حزین:	دموع:	التحریر:	بکی:	السفر:
سفر	خواری	سکوت	شکنجه	دور	اندوهگین	اشکها	آزادسازی	گریست	سفر
الغربة والحین: غم غربت و اشتیاق									
التطواف: گردش	رحلة: سفر	جبال	جدار	منازل	التشريد:	أرض	صراخی	شريد: آواره	التطواف: گردش
	«قاف»: کوه- های «قاف»	الصمت: دیوار سکوت	الأحباب: منزلگاههای دوستان	آوارگی	الروم: سرزمین روم	المکتوم: فریاد خاموش من	سجن: زندان	الأسر: اسارت الخيام: چادرها	النازح: دور
المقاومة: پایداری									
التحریر	دماء	سيفی المسحور	الصعود والهبوط	الفجر	أواجه المصير				

مقایسه این واژگان و محوریت اصلی آنها یعنی خاطرات، غربت، میهن دوستی و پایداری، خواننده را به این مطلب رهنمون می‌سازد که خاطرات این شخصیت تاریخی در قالب غم غربت و اشتیاق به میهن مطرح می‌شود، اما دلالت عمیق این واژگان در مقاومت مردان، زنان و فرزندان مرز و بوم شاعر تجلی می‌یابد، سرزمین اشغال شده توسط حبشی‌ها که شاعر درصدد رهایی آن، به واسطه استمداد از شخصیت تاریخی سیف از رومیان است. بنابراین واژه سیف، نمادی از منجی و نجات‌بخش است که آحاد ملت را از بند اسارت، رهایی می‌بخشد. واژه «روم»، از ارتباط عمیق و منسجم میان عنوان و متن می‌گوید. ارتباطی که درصدد آگاهی‌بخشی به مخاطب در اثبات واقعیت متن یعنی سیطره حزن و اندوه در میهن شاعر و مأرب، انقلاب در صنعا، عدم اهتمام قیصر روم به محنت‌های او، غم غربت و بهای خون‌های ریخته شده در راه آزادی میهن می‌باشد. از سوی دیگر ارتباط عنوان با قصیده، تفسیری است؛ یعنی از نخستین لحظه خوانش متن، امکان تفسیر آنرا برای مخاطب فراهم می‌سازد.



نتایج

- در ترکیب عنوان، واژه‌هایی محذوفند که متناسب با وجود نگران و حیرت‌زده شاعر است. وجود واژه «یومیات» به صورت جمع و معرفه به اضافه، بر ابهام عنوان می‌افزاید؛ چرا که حوادث روزانه، مجهول و نامشخص است و معلوم نیست حوادث تلخ یا شیرین بوده و چه کیفیتی دارند. از سوی دیگر حضور این واژه به صورت جمع بر کثرت حوادث دلالت دارد.

- عنوان، تکنیک‌هایی نشانه‌شناختی متنوع و ارتباطی تنگاتنگ با ساختار متن قصیده دارد. واژه «یومیات»، مجموعه‌ای از احتمال‌ها را راجع به محتوای این یادداشت‌های روزانه مطرح می‌کند که می‌تواند در متن تجلی‌یافته و زمینه را برای شنیدن تلخ و

شیرین این یادداشت‌ها آماده می‌کند. ارزش‌های نشانه‌شناختی این عنوان همچنین در واژه "سیف بن ذی یزن" و ترکیب اضافی «یومیات سیف» شکوفا می‌شود و توانایی آفرینش ارزش موروث تاریخی و حماسی از این نام تجلی می‌یابد، شخصیتی محبوب و اسطوره‌ای که مسئولیت ورود به میدان پرتنش خطرها و رقم‌زدن سرنوشتی ماندگار را برای خود در حافظه ملت یمن می‌پذیرد؛ بنابراین عنوان در این قصیده، گویای ایفای نقش سرنوشت‌های اثرگذاری است که فضای حاکم بر جامعه را به چالش کشیده و همه چیز مرهون موفقیت آنهاست.

-ساختار عنوان در دو سطح زبانی و معنایی، نشان‌دهنده تجربه شاعر است. سادگی در انتخاب واژگان و حضور آن در حافظه خوانشی را می‌توان بارزترین ویژگی نشانه‌شناختی این عنوان دانست. در کنار آن، فراخوانی تاریخ و شخصیت‌های تاریخی و ادبی با دلالت و معنای حال حاضر بر غنای آن افزوده است. چنین عنوانی از لحاظ نشانه-شناختی در مسیر رهایی از غم غربت، ظلم، خون و رسیدن به سپیدی و رهایی است. وجود ترکیب اضافی در عنوان و فراخوانی شخصیت سیف، به نوعی رویکرد مثبت در قبال این شخصیت نمادین اشاره دارد. شخصیتی که با کنارزدن حجاب‌های تاریک و ظلمانی، درصدد تداوم رگه‌های امید در وجود هم‌نوعان خود است تا ایشان را رهایی بخشد.

پی‌نوشت‌ها

۱. ای شهر من، در کجا با سرنوشت مواجه می‌شوم؟
۲. معبد‌های ماه را در شهر ماتم‌زده مأرب با خود به زیر پلک‌ها بردم (اشک و آه، خوراک من در معبد است).
۳. در پی انقلابی هستم که ذلت بردگی را از معشوق من «صنعا» بزدايد.
۴. همسفر من گریست تا جایی که «آنکارا» بر روی چشم‌ها افتاد (از تاب و توان ایستاد).
۵. در زندان‌های او، شعرهایی را خواندم که اشک‌های امرؤالقیس کنده‌کاری بود. برای بیابان و خیمه‌ها گریستم.

۶. از اینکه دور از وطن بمیرم، بیزارم/ دوست ندارم شهرها، سرزمین، زنان و مردان را ببینم که رحمت و شفقت جلاد را طلب می‌کنند. بیزارم از اینکه سربازان ابرهه را ببینم که در منطقه غمدان حرکت می‌کنند.
۷. همسفرم گریست، اما سلطان با شکوه و عظمت، قیصر سرزمین روم، اشک او را نمی‌پسندد و فریاد پنهان مرا نمی‌بیند. مرا از پرواز باز می‌دارد. راه را بر روی من می‌بندد. گرگ‌ها را پیرامون زندان من رها می‌کند و درها را می‌بندد.
۸. و هر شب به هنگام رفتن ابرهه، داستان مردان و پایداری را در آسمان سرزمین روم می‌خوانم. داستان کسانی که از خون‌های خود، بندهای مرگ را برای دشمنان محکم می‌کنند. آنهایی که عار و ننگ را نمی‌پذیرند. سرهایی شریف و گندم‌گون که خواری و چانه‌زنی را بر نمی‌تابند.
۹. معبدهای ماه را در شهر ماتم‌زده مأرب با خود به زیر پلک‌ها بردم (اشک و آه، خوراک من در معبد است). در سفر، نقش آنرا بر روی پیشانی و دیدگان ترسیم کردم. همسفر من گریست. راه، چهره من و او را از یاد برد. همسفر من، او را به خاطر نیاورد. انقلاب امرؤالقیس را به خاطر آوردم، تا اینکه راهنما گریست. به او گفتم: این همسفر طولانی مدت من، گریه نکن. ما در صدد آزادسازی (شهر) هستیم، نه در پی تاج و تخت.
۱۰. در این شهر، اندوهگین هستم. آیا روستای من، احساس نمی‌کند به همراه من غمگین است؟ همراه من با دو چشم رومی می‌گوید: چه می‌خواهی؟ می‌خواهم در آنجا، نزدیک یک درخت خرما و در سایه‌سار یک لیف خرما قبری داشته باشم. در پی انقلابی هستم که ذلت بردگی را از معشوق من «صنعا» بزدايد. از اینکه دور از وطن بمیرم، بیزارم/ دوست ندارم شهرها، سرزمین، زنان و مردان را ببینم که رحمت و شفقت جلاد را طلب می‌کنند. بیزارم از اینکه سربازان ابرهه را ببینم که در منطقه غمدان حرکت می‌کنند.
۱۱. بیزارم که ببینم کشور، زمین، زنان و فرزندان، رحمت جلاد را طلب می‌کنند.
۱۲. از تنهایی خود بیزار شدم. در زندان‌های او، شعرهایی را خواندم که اشک‌های امرؤالقیس حکاکی بود. برای بیابان و خیمه‌ها گریستم. همچنان در اسارت هستم. نه آبروی خود را به دست آوردم و نه «زمام» سخن در اختیار من است. غرق شدم... در شلوغی گم گشتم.

منايع و مأخذ

- آذرشب محمدعلي، محمد حسن امين مقدسي، شهريار نيازي و موسى بيات (١٣٩٦ش)، «نشانه شناسي عنوان قصيده (حفر على ياقوت العرش) سروده محمدعلي شمس الدين»، مجلة زبان و ادبيات عربي مشهد، بهار و تابستان: صص ١-٢٦.
- آل مريع، أحمد بن علي (٢٠١٣م)، علي الطنطاوي، كان يوم كنتُ، صناعة الفقه والأدب، دراسة في فن السيرة الذاتية، تقديم: عبدالعزيز الخويطر، الطبعة الثالثة، الرياض: مكتبة العبيكان.
- ابن منظور (١٩٨٨م)، لسان العرب، بيروت: دار صادر.
- أبوجنين، عطا محمد (٢٠٠٤م)، شعراء الجيل الغاضب، دار المسيرة للنشر والتوزيع والطباعة، عمان، الطبعة الأولى.
- بخيت، فاطمه، سعيد بزرگ بيگدلي، ناصر نيكيويخت، كبرى روشنفكر (١٣٩٢ش)، «برسي تطبيقي دلالت عنوان در شعر شش شاعر فارسي و عربي معاصر»، رسالة دكتري رسته زبان و ادبيات فارسي، دانشگاه تربيت مدرس: تهران.
- بلعابد، عبدالحق (٢٠٠٨م)، عتبات، جبرار جينت من النص إلى المناص، تقديم: سعيد يقطين، منشورات الاختلاف، الجزائر، الطبعة الأولى.
- جمال، حيدر محمد (٢٠١١م)، «شعرية العنونة، عزالدين المناصرة نموذجاً»، مجلة الجامعة الإسلامية، مجلد ١٩، العدد ٢: صص ١٢٠٧-١٢٣٦.
- الحميلي، محمد مطلق صالح (٢٠١٦م)، السرد الرسائلي، قراءة في سيرة الجسد وصهيل المطر الجريح لمحمد صابر عبيد، الطبعة الأولى، عمان: دار غيداء للنشر والتوزيع.
- حسن، عبدالكريم (١٩٨٩م)، لغة الشعر في زهرة الكيمياء بين تحولات المعنى ومعنى التحولات، القاهرة، الهيئة المصرية العامة للكتاب، مجلة فصول، المجلد ١، عدد ٢، صص ١٧-٢٩.
- درمش، باسمه (٢٠٠٧م)، «عتبات النص»، مجلة علامات في النقد، عدد ٦١، السعودية: صص ٣٩-٨٨.
- رحاحلة، أحمد زهير (٢٠١٢م) القصيدة الطويلة في الشعر العربي المعاصر، عمان: دار الحامد للنشر والتوزيع.
- الرواشدة، سامح (١٩٩٥م)، القناع في الشعر العربي الحديث، دراسة في النظرية والتطبيق، إربد: مطبعة كنعان.
- الزبيدي، صلاح مهدي ونصرالله عباس حميد (٢٠١٥م)، «التكرار وأنماطه في شعر عبدالعزيز المقالح»، مجله ديالي، شماره ٦٧: صص ٢٦٤-٢٨١.
- عامر، رضا (٢٠١٤م)، «سيمياء العنوان في شعر هدى ميقاتي» مجلة الواحات للبحوث والدراسات، مجلد ٧، عدد ٢: صص ٥٧٧-٥٩٣.

نشانه‌شناسی عنوان در قصیده «من يوميات سيف بن ذى يزن فى بلاد الروم»... ٣٠٣

- زعرب، صبحية عودة (٢٠١٨م)، تحليل النص الأدبي فى ضوء النظريات النقدية الحديثة، الطبعة الدولية، عمان: دار مجدلاوى للنشر والتوزيع.
- سجودى، فرزان، كاكه‌خانى، فرناز (١٣٩٠ش)، «بازى نشانه‌ها و ترجمه شعر»، مجلة زبان پژوهى، دانشگاه الزهراء، تهران، دوره ٣، شماره ٥: صص ١٣٣-١٥٣.
- عبيد، محمد صابر (٢٠١٥م)، التشكيل الجمالى للخطاب الأدبي الكردى -الهوية والتمثيل-، الطبعة الأولى، عمان: دار غيداء للنشر والتوزيع.
- الغزامى، عبدالله (١٩٩٣م)، ثقافة الأسئلة، مقالات فى النقد والنظرية، الطبعة الثانية، القاهرة: دار سعاد الصباح.
- فرج، حميد الشيخ (٢٠١٣م)، العنوان فى الشعر العراقى الحديث، دراسة سيميائية، الطبعة الأولى، لبنان: دار ومكتبة البصائر.
- فضل، صلاح (١٩٩٢م)، بلاغة الخطاب وعلم النص، عالم المعرفة، العدد ١٦٤، أغسطس، الكويت: وزارة الإعلام.
- مطوى، محمد الهادى (١٩٩٩م)، شعرية كتاب الساق على الساق فى ما هو الفارياق، مجلة عالم الفكر، العدد ١، يوليو، الكويت: وزارة الإعلام.
- المقالح، عبدالعزيز (٢٠٠٤م)، الأعمال الشعرية الكاملة، المجلد الثالث، د.ط، صنعاء: من إصدارات وزارة الثقافة والسياحة

سيمائية العنوان فى قصيدة «من يوميات سيف بن ذى زبن فى بلاد الروم» لعبدالعزبز المقال

امبر فرهنكنا

الملخص

العنوان هو إحدى الشيفرات المؤثرة فى النص والذى يعرف المتلقى بادئ ذى بدء على الرموز والعلامات الموجودة فى الكلمات والصور. الشيفرة التى تكون اختيارها للقصيدة إحدى المراحل الهامة والحساسة لكل شاعر فى إنشاد الشعر وتحكى عن سيطرة تجربته الشاملة فى العلاقة مع المتلقى وبمناوبة مفتاح لدخول المخاطب فى فضاء النص واحتلت قسماً من دراسات السيميائية. إن العنوان يجعل القارئ يفكر بغية تلقيه من النص وفهمه الدقيق ويرسم لنفسه فضاءً شاملاً من النص ورسالته. فى سياق متصل يساعد الشاعر اليمنى المعاصر عبدالعزبز المقال القارئ على الفهم الأفضل لمضمون القصيدة وذلك عبر اختيار كلمة «يوميات» وشخصية تاريخية لعنوان القصيدة التى تقدم المضامين التى هو (الشاعر) بصدها. يسعى هذا المقال إلى معالجة سيميائية العنوان ودراسة وظائفه فى مضمون القصيدة وفقاً للمنهج الوصفى التحليلى. تبين دراسة عنوان هذه القصيدة فى المستوى المعجمى عن غنى الموروث الشعبى اليمنى وجدوره وتحكى عن نظرة الشاعر العميقة فى الجانب الفنى والجمالى وفى المستوى النحوى تتم الإشارة إلى التلاؤم بين الأصوات فى العنوان والعلاقة الصوتية الناشئة عن تكرار الحروف خاصة حرف الهجاء الأخير وتدل على أنه بمثابة منج يسعى إلى أن يعرض حياته للخطر وينقذ الشعب من الكدح وفى المستوى الدلالى تسيطر علاقة عميقة ومتناسكة بين العنوان والنص. العلاقة التى تكون بصدد توعية المخاطب فى إثبات واقع النص، أى سيطرة الحزن والهمل والاعتراب وتحمل الكدح والخنة فى سبيل حرية الوطن.

الكلمات الرئيسية: سيميائية العنوان، الشعر اليمنى المعاصر، عبدالعزبز المقال، سيف بن ذى زبن.

The semiotics of the title in the poem “the diary of Saif Bin Ziyazan in the Roman world” by Abdulaziz al-Maqalah

¹Amir Farhangnia, Department of Arabic Language and Literature, Letter and Human Sciences, Shahid Beheshti University

Received: 28-07-2019

Accepted: 29-10-2019

Abstract

One of the most effective codes in a text is the title, which introduces the audience to the images as well as the signs and symbols encoded in the vocabulary at the beginning. Choosing a title for an ode is an important and sensitive stage in poetry and reflects the poet's outlook and experience in relation to the audience. The study of the audience's input in the text is a part of semiotic investigations. The title puts the reader in a position to think about the text and precisely understand and conceive the overall context and the message. In the same vein, AbdulAziz, the contemporary Yemeni poet, chooses the term "the diary" and a historical figure so as to present his main theme and to help the reader better understand the content of the ode. The results indicate a deep relationship between the title and the text of the studied ode. Also, the poet has successfully linked the terms as well as the structural and the semantic fields of the text to the reader. The function of the title of his ode is to express the theme of the stability of the Yemeni people against colonial oppression. Studying the title of this story at the glossary level reveals the richness of Yemeni folk heritage and its deep roots. The results point to the poet's profound skill in artistic and aesthetic features. At the structural level, the harmony between the voices in the title, the harmony of creation, and the phonetic link in the title are characterized by the repetition of the letters and the last syllable, implying that a savior still seeks to endanger his life to release people from their suffering. At the semantic level, there is a deep and coherent relationship between the title and the text. This tight link serves to prove to the audience the truth of the tenets of the text; that is, the domination of sorrow, homesickness, and incurrance of suffering for the freedom of the homeland.

Keywords: Semiotics of the title, Contemporary Yemeni poetry, Abdulaziz al-Maqalah, Saif bin Ziyazan.